

## بازتاب انقلاب و مقاومت از منظر قیصر امین پور و سمیح القاسم

۱- ابراهیم نامداری\*، ۲- عسگر بابازاده اقدام\*\*، ۳- فاطمه رحیمی تبار\*\*\*

۱. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، ایران

۲. استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، خوی، ایران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۰۹)

### چکیده

شعر مقاومت ریشه بسیار کهنی دارد و در دوران‌های تاریخی مختلف نوعی از ادبیات محسوب می‌شود. شعر مقاومت همان شعر صلح است و ویژگی مشترک همه این آثار، ضد جنگ بودن آن است. مقاومت به معنای ایستادگی در برابر ظالم است و نتیجه نهایی این پایداری، صلح می‌باشد. ظهور ادبیات مقاومت به «فلسطین» برمی‌گردد؛ به انتفاضه‌ای که در لغت به معنای «تکاندن غبار از چیزی» است و به عبارتی، یعنی شروع یک انقلاب. در این میان، زاویه‌دیدها و نگاه‌ها متفاوت است. شعر مقاومت در ایران که زمانی به دفاع مقدس می‌پرداخت، بعد از این دوران به وضعیت ملت‌های مستضعف و ستمدیده جهان بیشتر توجه کرد. در مجموع، شعر مقاومت از رگه‌های بسیار مهم شعر امروز است و پویایی و بالندگی دارد. هدف از این پژوهش، توجه به تأثیر متقابل ادبیات مقاومت فلسطین و انقلاب اسلامی ایران است که با روش تحلیلی انجام شده است. با دقت نظر در آثار سمیح القاسم - شاعر مقاومت فلسطینی - و قیصر امین پور - شاعر انقلابی ایران - مضامین همسانی را در آثار دو شاعر مشاهده می‌کنیم که در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود.

**کلیدواژه‌ها:** مقاومت، جنگ، دفاع مقدس، قیصر امین پور، سمیح القاسم.

---

\* E-mail: askar.babazadeh@gmail.com (نویسنده مسئول)

\*\* E-mail: enamdari@gmail.com

\*\*\* E-mail: mrahimitabar@gmail.com

## مقدمه

انسان به طور فطری در مقابل تهاجم و حمله، حس دفاع و مقاومت را تجربه می‌کند و این حس در شدیدترین حالت به واکنش‌های فیزیکی تبدیل می‌شود. ادبیات مقاومت، همان فریاد شجاعانه در چهره ظالم و صیحه مظلوم در صورت غاصب مستبد است. ادبیات پایداری از فرزندان ملت می‌خواهد که ننگ را نپذیرند (ر.ک؛ سعدون زاده، ۱۳۸۸: ۵۲). رخدادهایی مانند اشغال فلسطین و حمله عراق به ایران، باعث آفرینش آثاری یگانه در حوزه ادبیات مقاومت ملل شد. آثار شاعر فلسطینی، سمیح القاسم و شاعر دفاع مقدس ایران، قیصر امین‌پور، میراثی ارزشمند در عرصه شعر مقاومت دو سرزمین است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که احساس تعلق به سرزمین، دفع تجاوز و اشغال خارجی از عوامل اصلی بروز عناصر مقاومت در شعر سمیح القاسم و قیصر امین‌پور است. وطن‌دوستی، شهادت، آزادی و بیان جنایات دشمن از مهم‌ترین ویژگی‌های شعری دو شاعر است.

نویسندگان و محققان تاکنون مقالات زیادی درباره ویژگی‌های شعری قیصر امین‌پور و سمیح القاسم، جداگانه به رشته تحریر درآورده‌اند، اما کمتر به تطبیق و تأثیر و تأثر متقابل موضوع مقاومت در آثار قیصر امین‌پور با سمیح القاسم پرداخته‌اند؛ از جمله آن‌ها، مقالات «عشق به انسان، وطن و مقاومت در شعر قیصر امین‌پور» به نویسندگی مهدی شریفیان و سهیلا صادقی، «دفاع مقدس، تعهد و تحول در شعر قیصر امین‌پور» به نویسندگی محمدرضا صرفی و سیدرضا هاشمی، «تحلیل الخطاب سیاسی علی‌المستوی الصرفی فی أشعار سمیح القاسم» به نویسندگی رقیه رستم‌پور و مینا پیغامی و «تحلیل تطبیقی درونمایه‌های مقاومت در اشعار سمیح القاسم، حسن حسینی و قیصر امین‌پور» به نویسندگی کبری روشنفکر، مرتضی زارع برمی و حسینعلی قبادی است.

## ۱- ادبیات مقاومت

ادبیات دفاع و مقاومت نیز در مقابل «ادبیات جنگ» شکل می‌گیرد و در هر کشوری، اگر چه برخی از مشخصه‌های منحصر به خود را دارد، ولی همگی در یک ویژگی فصل مشترک دارند و آن عبارت است از: «بیگانه‌ستیزی و وطن‌دوستی» همین ویژگی مشترک است که ادبیات مشترکی را در میان ملل به نام ادبیات مقاومت جهان شکل می‌دهد و مفهوم مقاومت را از حلقه وطن - میهنی به گستره جهان - میهنی توسعه می‌بخشد.

سرشت انسان بدی را بر نمی‌تابد. از این رو، ناسازگاری خود را با بیداد و ناروا به اشکال مختلفی، چون اعتراض، پرخاش، ستیزه‌گری، روبرویی و مقابله نشان می‌دهد (ر.ک؛ سنگری، ۱۳۷۷: ۴۶). بر این اساس، از دیرباز انسان با این سلاح کارا به میدان آمده، پیروزی‌های درخشانی را نیز رقم زده‌است. طنز، هجو (یا حتی هزل)، حبسیه‌ها، نمایشنامه‌ها، داستان‌ها، سروده‌های روشنفکرانه و معترضانه همه و همه در این حوزه قرار می‌گیرند. عنوان ادبیات مقاومت معمولاً به آثاری اطلاق می‌شود که تحت تأثیر شرایطی چون اختناق و استبداد داخلی، نبود آزادی‌های فردی و اجتماعی، قانون‌گریزی و قانون‌ستیزی با پایگاه‌های قدرت، غصب قدرت، سرزمین و سرمایه‌های ملی و فردی شکل می‌گیرد (ر.ک؛ درویش، ۱۳۷۱: ۲۷۱).

## ۲- تأثیر ادبیات پایداری فلسطین بر ادبیات انقلاب اسلامی

در ادبیات پایداری فلسطین، فضای‌های دور از دسترسی یافت می‌شود؛ مثل به‌کارگیری جغرافیا، ذکر اسامی و شهرها که در شعرشان جایگاه ویژه‌ای دارد و بر ادبیات ما تأثیر ماندگاری گذاشت. شاعر از الفبا و کلماتی استفاده می‌کند که در اختیار همگان است و بیشترین بیداری ملت‌ها را مرهون آثار ادبی می‌داند. طبیعی است که آثار ادبی ملت‌های مختلف روی هم اثر می‌گذارد و به همین دلیل، شاعران و نویسندگان ایرانی که از سال‌های قبل با ادبیات پایداری فلسطین آشنا بودند، به طور طبیعی دربارهٔ انقلاب و پایداری نمی‌توانستند از تأثیرات دور باشند، ولی نوع تأثیرگذاری و تأثیرپذیری، ارائهٔ نمونه و بازگویی این مسئله نیاز به بررسی تطبیقی دارد. مسلماً چون می‌توان گفت هر دو ادبیات پایداری در یک عصر و زمان قرار گرفته‌اند، از نظر فضا و زمان نقاط مشترک بسیاری دارند، هر دو ادبیات ضد تجاوزگری و برای استقلال و آزادی سروده شدند. بنابراین، تشابهات بسیاری دارند. علت دیگر، نزدیکی فلسطین از همهٔ جوانب به ماست و در شعر آنان که در دسترس نسل انقلاب قرار گرفته‌است، ادبیات پایداری فلسطین و ادبیات انقلابی ما تأثیرهای متقابلی نسبت به هم داشته‌اند.

هرچند باید توجه داشت که شعر ما تا حدی تحت تأثیر ادبیات مقاومت فلسطین بوده‌است؛ زیرا آثار ادبیات پایداری فلسطین به فارسی ترجمه شده‌است، اما کمتر اثری از ادبیات پایداری انقلاب ما به زبان عربی ترجمه شده‌است. در سال‌های گذشته، شاعران ادبیات پایداری فلسطین نقش عمده‌ای در بیداری افکار عمومی مردم عرب و دیگر کشورهای جهان، به‌ویژه ایران داشته‌اند.

آثار موفق شاعرانی که مجموعه‌هایشان به زبان‌های مختلف ترجمه شده‌است، مسلماً تأثیر عمیقی در افکار عمومی داشته‌است. شاعران ادبیات پایداری فلسطین، علاوه بر شاعری، جزو قشر مبارزان خستگی‌ناپذیر قیام فلسطین بودند و همین تفکر، یعنی شاعری در کنار مبارزه، انگیزه عمیقی در شاعران انقلاب اسلامی به وجود آورد.

انقلاب اسلامی در ادبیات پایداری تأثیرهای متقابلی در آگاهی مردم و حرکت‌های آنان داشته‌است، اما این جواب یک وجه آن است و وجه دیگر تأثیر ادبیات پایداری انقلاب در دیگر کشورها بوده‌است. وقتی انقلاب ما تأثیر عمیقی بر حرکت‌های مردمی دیگر کشورها می‌گذارد، بدیهی است ادبیات پایداری ما نیز خالی از تأثیر در دیگر کشورها نباشد.

ادبیات پایداری فلسطین در ادبیات انقلاب اسلامی ما تأثیر عمیقی گذاشته‌است و اگر شعر پنجاه سال اخیر ایران را بررسی کنیم، می‌بینیم که ادبیات پایداری فلسطین، خطی پررنگ را ایجاد نموده‌است؛ چنانکه بعضی شاعران به این تأثیر اذعان دارند. اگر در روند شعر انقلاب تحلیلی صورت گیرد، این تأثیر مشهود می‌باشد؛ به عنوان مثال تأثیر معین بسیسو - شاعر نامدار فلسطینی - در شعر برخی از شاعران انقلاب، از جمله سلمان هراتی، قیصر امین‌پور و علیرضا قزوه مشهود است.

تأثیر ادبیات پایداری فلسطین به سبب اینکه شعار صرف نبود و برخاسته از باورهای دینی توأم با روحیه پر از پرخاشگری، و نیز تلفیقی از رگه‌های شعری با تعهد بود، بی‌شک می‌توانست تأثیر عمیقی، به‌ویژه بر شاعران انقلاب ما داشته باشد. سطور مشابه، موضوع‌های همسان، انگاره‌های همسو و... در ادبیات پایداری فلسطین و ایران نشانگر این تأثیر است، اگرچه در قصه نیز به اندازه شعر این تأثیر دیده نمی‌شود. در هر حال، ادبیات پایداری فلسطین برای شاعران انقلاب انگیزه‌ای قوی ایجاد نمود و اساس این فکر از ادبیات انقلابی فلسطین نشأت گرفت.

در ادبیات ما، رویکرد و گرایش به ادبیات انقلابی جهان، به‌ویژه به فلسطین با توجه به کتاب‌های ترجمه‌شده شامل شعر، قصه، متون ادبی و... خیلی بیشتر از نمونه‌های اقوام دیگر می‌باشد.

تأثیر و تأثر ادبیات پایداری فلسطین در ادبیات انقلابی ما، علاوه بر موضوع و مفهوم، به لحاظ قوالب نیز حایز اهمیت می‌باشد. بسیاری از شاعران پایداری فلسطین قوالب و اشکال مختلف شعری را تعریف کردند و یکی از خصیصه‌های ادبیات پایداری فلسطین، تلفیق شعر و داستان می‌باشد. با ترجمه، این خصیصه به بهترین شکل وارد ادبیات ایران شد. نکته مهمی که باید به آن اشاره شود،

این است که شاعران ادبیات پایداری فلسطین صرفاً فلسطینی نیستند و سوری، عراقی، کویتی و... همه سازنده ادبیات پایداری فلسطینی هستند. خصیصه شعر و داستان در آثار شاعران ادبیات پایداری در شعر ما تأثیر گذاشت که می توان به چند نمونه اشاره نمود؛ مانند آثار سلمان هراتی با شعرهایی چون «من می میرم»...، عبدالملکیان با شعر خیابان هاشمی، قیصر امین پور با شعرهایی چون «می خواستم شعری برای جنگ بگویم»، قزوه با شعری چون «مولا ویلا نداشت» و...

شاعران ادبیات پایداری فلسطین، عشق و جنگ را به هم آمیختند و شعرای ما نیز از این تلفیق تأثیر پذیرفتند. به طور کلی، این تأثیر بر کل جریان ادبی فارسی تأثیر گذاشت و یا حتی شاعرانی که موضوع شعرشان جنگ نبود، به آن پرداختند.

با توجه به اینکه شعر مخاطب عام دارد، شاعر به آن پناه می برد و با آن می خواهد بر دیگران تأثیر بگذارد و می تواند برترین نوع انسانی و معرفتی را به بهترین شکل به مخاطب انتقال دهد، با توجه به اینکه بحث درباره پایداری مقدس است که خود شامل از خودگذشتگی، ایثار، رشادت و... در برابر جریان های سلطه گر است، شاید بتوان گفت که نقش بیدارگری دارد و بیشتر از انواع دیگر ادبی مؤثر و تواناست.

وقتی که حرف از ادبیات پایداری است، شاید به ذهن مخاطب شعرهای کسل کننده و مصرفی متبادر شود، اما نمونه های موفق و بسیار درخشانی را می توان یافت که نشان می دهد باید توجه بیشتری به این نوع ادبی شود. به طور کلی، ادبیات پایداری فلسطین که انگیزه های عاطفی قوی دارد، تأثیر عمیقی بر مخاطب نیز داشته است.

### ۳- قیصر امین پور

قیصر امین پور در دوم اردیبهشت ماه ۱۳۳۸ در شهرستان گتوند خوزستان متولد شد. دوران کودکی و تحصیلات ابتدایی را در زادگاهش گذراند و برای ادامه تحصیل به دزفول رفت. امین پور در سال ۱۳۵۷، دیپلم تجربی گرفت و آنگاه تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته دامپزشکی در دانشگاه تهران آغاز کرد. وی در سال ۱۳۵۸ با انصراف از رشته دامپزشکی، به جمع دانشجویان علوم اجتماعی پیوست. قیصر امین پور مجدداً در سال ۱۳۶۳ تغییر رشته داد و تحصیلات خود را در رشته زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تهران دنبال کرد و در بهمن ماه سال ۱۳۷۶، با دریافت مدرک دکترای زبان و ادبیات فارسی از دانشگاه تهران فارغ التحصیل شد.

دکتر قیصر امین‌پور در زمره شاعرانی بود که از همان آغاز فعالیت‌های حوزه هنری به جمع گروه شعر آنجا پیوست و همگام با سایر شاعران فعال حوزه هنری، در بسیاری از شب‌های شعر برگزار شده در جبهه‌های دفاع مقدس شرکت کرد و در مناطق مختلف عملیاتی به شعرخوانی پرداخت. او عضو شورای شعر و ادبیات حوزه بود و در تشکیل جلسات شعرخوانی و نقد و بررسی شعر و تشویق و ترغیب شاعران جوان انقلاب نقش مؤثر و ارزنده‌ای داشت. سپس به جمع نویسندگان و شورای سردبیری مجله سروش نوجوان پیوست. همچنین، دکتر امین‌پور به تدریس زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه اشتغال داشت. دکتر قیصر امین‌پور در سال ۱۳۶۷ از مؤسسه گسترش هنر، جایزه ویژه نیما یوشیج را دریافت کرد. افزون بر این، در سال ۱۳۷۸ از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان یکی از شاعران برتر دفاع مقدس در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ برگزیده شد. سرانجام، در آبان‌ماه ۱۳۸۶ درگذشت. آثار او شامل هشت مجموعه شعری، دو اثر به نثر و دو اثر پژوهشی می‌باشد. وی صاحب مجموعه شعرهای در کوچه آفتاب (۱۳۶۳)، تنفس صبح (۱۳۶۳) و آینه‌های ناگهان (۱۳۷۲) است. وی از جمله غزل‌سرایان پس از انقلاب است که با انقلاب و به تبع آن، با جنگ بالیده و در فضایی آمیخته با آتش و خون تنفس می‌کرد (ر.ک؛ شریفیان و صادقی، ۱۳۸۸: ۲۴).

شعر قیصر امین‌پور یکی از ساده‌ترین و صمیمی‌ترین شعرهای دفاع مقدس و یکی از زیباترین نمونه‌های تلاش شاعران جوان انقلاب در ترسیم زخم و درد، ستیز و نبرد، حماسه و ایثارگری‌های جوانان پرشور انقلاب در عرصه‌های گوناگون هستی این مرز و بوم است (ر.ک؛ ترابی، ۱۳۸۱: ۲۱).

امین‌پور در عین نوگرایی و توجه به عرصه‌های جدید ایجادشده از سوی نیما و پیروانش و یا حتی طبع‌آزمایی در قالب شعر سپید، پیوندی محکم با قوالب سنتی شعر پارسی همچون رباعی و غزل داشت. به گفته یکی از صاحب‌نظران، هرچند او «در آثار نیمایی و سپید به شدت نوجویی و ابداع را پیشه خود ساخته است، اما در آثار کلاسیک، حلقه تأثیرپذیری از آثار قدما را چون دیگران به گردن انداخته است و با استفاده حساب‌شده از صنایع بدیعی، سعی در ساخت غزل به شیوه قدما دارد» (خو محمدی خیرآبادی، ۱۳۸۴: ۱۸۸).

#### ۴- سمیح القاسم

سمیح القاسم، شاعر عرب، به سال ۱۹۳۹ میلادی در «زرقاء» اردن به دنیا آمد و تحصیلات خود را در «رامه» و «ناصره» ادامه داد و از آن پس، در فلسطین اقامت گزید. او شاعری پرکار بود و هنگامی که تنها سی سال داشت، شش مجموعه شعر را منتشر کرده بود. نخستین مجموعه شعر او با نام کاروان‌های خورشید در سال ۱۹۵۸ به بازار کتاب آمد و برخی دیگر از کتاب‌های او عبارتند از: آواز کوچه‌ها، خونم بر کف دستم است، دود آشفشان‌ها، سقوط نقاب‌ها، مرگ بزرگ، مرثیه‌های سمیح القاسم، تو را دوست دارم آن گونه که مرگ می‌پسندد! و عنصر نامطلوب. از نگاه سمیح القاسم، «انسان» و «وطن» در رابطه‌ای دیالکتیک با یکدیگر قرار دارند. «انسان بی‌وطن» همانند راز نگاه او، غریب و بس مغموم است. او «فلسطین» را «وطنی» می‌داند که از معنای «وطن» تهی شده است. انسان فلسطینی است که به خاک فلسطین هویت و معنا می‌دهد و «فلسطین» بدون «فلسطینی»، وطنی بدون وطن است.

قاسم در اشعار خود با قلمی پرشور از حقوق و هویت اعراب سرزمین‌های اشغالی حمایت می‌کرد. وی که به «شاعر مقاومت» معروف بود، در سراسر جهان عرب، به عنوان نمادی از تلاش خستگی‌ناپذیر علیه اشغالگری شناخته می‌شد. بسیاری از اشعار وی به زبان انگلیسی و دیگر زبان‌های دنیا ترجمه شده است. قاسم که سال‌ها ساکن روستای «رامح» بود، بارها به سبب عقاید سیاسی خود بازداشت شد و به زندان افتاد. همچنین، وی روزنامه‌نگاری را تجربه کرد و مدتی سردبیری هفته‌نامه «کل العرب» را بر عهده داشت.

تاکنون از او بیش از ۶۰ کتاب شعر، داستان، نمایشنامه و ترجمه منتشر شده است که تمام آن‌ها در هفت جلد جمع‌آوری شده‌اند. برخی از شعرهای او به فارسی، انگلیسی، فرانسه و دیگر زبان‌ها برگردانده شده‌اند. در دیوان بزرگ شعر او، بخش زیادی از شعرهایش به موضوع مبارزه و رنج فلسطینی‌ها اختصاص یافته است.

#### ۵- بررسی جنگ و مقاومت در شعر دو شاعر

با شروع جنگ که پس از اندک زمانی از وقوع انقلاب روی داد، قیصر با روحیه‌ای پرشورتر از گذشته و در امتداد همان مشخصه‌های آرمانی، شعر را به عنوان سلاح خویش برمی‌گزیند و با

واژگان شعر خود، در تهییج مخاطبان جنگ‌زده خویش، تحریک حس دین‌خواهی و وطن‌دوستی آنان، و نیز تقدیس رزمندگان جبهه‌ها و شهدا تلاش می‌کند.

قیصر جنگ را نه در شکل ظاهری آن که سرشار از خشونت و خونریزی است، بلکه در ورای حس میهن‌دوستی و مقاومت به تماشای نشیند و از همین روست که در مهم‌ترین سروده جنگی خود، شعری برای جنگ، علی‌رغم همه تصاویر عربان و صریحی که از متن جنگ و خشونتش در آن موج می‌زند، باز تردید خود را از جنگ ابراز می‌کند؛ گویی در این شعر، قیصر هم شاعر جنگ و هم شاعری ضد جنگ است:

«می‌خواستم

شعری برای جنگ بگویم،

دیدم نمی‌شود؛

دیگر قلم زبان دلم نیست.

گفتم

باید زمین گذاشت قلم‌ها را.

دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست!

باید سلاح تیزتری برداشت.

باید برای جنگ،

از لوله تفنگ بخوانم

با واژه فشنگ...» (امین‌پور، ۱۳۸۳: ۲۰).

با قبول قطعنامه، پایان یافتن جنگ و به دنبال آن، رحلت رهبر فقید انقلاب و تغییرات ساختاری پس از جنگ، رنگ و لعاب حماسی شعر قیصر از دست می‌رود و شاعر که تاب تغییرات ناهمگون با ارزش‌های حاکم پیش از پذیرش قطعنامه و دیدگاه‌ها و سلیقه‌های جدید را ندارد، به عنوان شاعری منتقد که از متن جریان تعهد سر برآورده است، لب به اعتراض می‌گشاید و با پیش‌بینی خطراتی که روند انقلاب را تهدید می‌کند، غمگینانه به تماشای نشیند:



«حنجره‌ها روزه سکوت گرفتند  
عقدۀ فریاد بود و بغض گلوگیر  
پنجره‌ها تار عنکبوت گرفتند  
بُهت فصیح مرا سکوت گرفتند...»  
(امین پور، ۱۳۷۵: ۷۷).

در نتیجه، شاعر آرام آرام به گوشه‌ی عزلت پناه می‌برد و شعر تنها بهانه‌ی اعلام حضور او می‌شود:

«در سایه‌ی این سقف ترک خورده نشستیم  
خاموش چو فانوس که در خویش خمیده‌است  
بی حوصله و خسته و افسرده نشستیم  
پیچیده به خود با تن تاخورده نشستیم  
یک بار به پرواز پری باز نکردیم  
سر زبر پَرِ خویش فرو برده نشستیم...  
بر گرده‌ی ما خاطره‌ی خنجر یاران  
با جنگلی از خاطره بر گرده نشستیم...»  
(همان: ۸۸).

ناگزیر شاعر درد را می‌پذیرد و ناگزیر بودن خود را چنین توصیف می‌کند:

«شاخه‌ها تن به تقاضای شکستن دادند  
لب به آواز گشودم به لبم مهر زدند  
برگ‌ها یک‌به‌یک از شاخه به خاک افتادند  
چشمم آمد به سخن، سرمه به خوردش دادند»  
(همان: ۹۴).

بنابراین، دیگر به صراحت و با اندوهی گزنده، باز ماندن خود را از این جریان اعلام می‌کند:

«ما را به حال خود بگذارید و بگذرید  
از خیل رفتگان بشمارید و بگذرید  
اکنون که پا به روی دل ما گذاشتید  
پس دست بر دلم مگذارید و بگذرید...»  
(همان: ۱۰۴).

با وجود این، قیصر هنوز هم آرمانگراست و خاطره‌ی روزگار انقلاب و جنگ را با خود دارد و در لایه‌ی شعرهای این دوره، از نادیده گرفتن هنجارهای ارزشی و چشم‌پوشی از تعهدها و در نهایت، از این مفارقت گلایه می‌کند:

«خسته‌ام از این کویر، این کویر کور و پیر  
آسمان بی‌هدف، بادهای بی‌طرف  
این تویی در آن طرف، پشت میله‌ها را  
این منم در این طرف، پشت میله‌ها اسیر...»  
(همان: ۸۵).

آنچه شایسته تأمل است، سیر اندیشه قیصر از «شاعر جنگ» تا «شاعر صلح» است که مشخصاً این روند در دفتر «دستور زبان عشق» به چشم می‌خورد و شایسته بررسی است. او که روزگاری از لوله تفنگ، حس وطن‌دوستی و دین‌خواهی خود را ابراز می‌کرد، اکنون چه بی‌تابانه آرزوی صلح و مرگ دشمنی را در شعر می‌پروراند و از تحقق نیافتن آن گلایه می‌کند:

«شهادتی که بر خاک می‌خفت

چنین در دلش گفت:

اگر فتح این است

که دشمن شکست،

چرا همچنان دشمنی هست؟» (همان: ۱۷).

شعر قیصر متولد انقلاب اسلامی است و طبیعتاً این زادگاه، طبیعت شعر او را متأثر می‌سازد. جهان‌بینی و افق فکری قیصر در شرایطی شکل می‌گیرد که گستره انقلاب همه‌زوایی اجتماع را گرفته‌است و شعر به عنوان یکی از ابزارهای تبلیغی و پیش‌برنده جریان‌های اجتماعی، سعی خود را در راه تثبیت تعهدات انقلابی و اجتماعی و نیز بیان هیجان‌بخش ایدئولوژی انقلاب متمرکز می‌نماید. این روند در کتاب «تنفس صبح» نیز ادامه پیدا می‌کند و قیصر با آفرینش آثار خود در دیگر قالب‌ها نیز از همین مضامین استفاده می‌کند و اعتقادات خود و اجتماع هم‌فکر خود را ثبت می‌نماید که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به شعری برای جنگ او اشاره کرد که در اعتلای نام قیصر امین‌پور نقش ممتازی را بازی کرد.

شعرهای جنگ امین‌پور، حماسه‌ای نو است؛ حماسه‌ای اعتراض‌آمیز و انتقادی. لحن در حماسه‌های قبلی خشن است که این ویژگی حماسه است. اما لحن حماسه امین‌پور، ملایم، انتقادی و دلسوزانه است. پیام صلح جهانی را در بر دارد. اعتراضی حماسی از سوی معلّمی که به تویخ جهان پرداخته‌است و می‌توان ابداع حماسه‌ای نو، حماسه‌ای آموزشی را در اشعار جنگ امین‌پور شاهد بود. حس حماسی نو در این گونه شعر به خوبی رخ می‌نماید. او از خشن‌ترین اتفاقات دوران (جنگ) آن قدر عاطفی و لطیف سخن می‌گوید که هر احساس خشمی را در این زمان از رقت‌انگیزترین و ظریف‌ترین حالات بشری به شمار می‌آورد.

وی از حساس‌ترین موضوع زمان بی‌تفاوت نمی‌گذرد و در این راه، هر قدر توانسته، ابزار بیان و احساس را به کار گرفته‌است. کلام او برای هم‌وطنانش واگویهٔ درد و همدردی و برای افراد بی‌تفاوت به منزلهٔ تلنگر و کلامی بیدارگر و آگاه‌کننده است.

شعر جنگ بیانگر احساس مظلومیت مردم جنگ‌زدهٔ ایران و تعظیم شاعر در برابر پایداری، رشادت، صبر در مصیبت آن‌ها و توجه و شیفتگی و انقیاد نسبت به امام است؛ حسی که بغض و غصهٔ شاعر را به‌خوبی نشان می‌دهد و هم مخاطب را درگیر می‌سازد و هم همدلی با مردم و علاقهٔ به وطن و دیار نیز در آثارش احساس می‌شود.

قیصر امین‌پور در این شعر به بهترین وجه، گوشه‌ای از تاریخ جنگ را که به‌خوبی هم آن را احساس کرده‌است، تبیین می‌نماید. حس شاعرانهٔ او به تعهد خود واقف است و در این برهه از زمان، از شراب و شاهد و عشق‌های مجازی سخن نگفته‌است؛ زیرا حس غالب در این زمان، در بر دارندهٔ همین مضامینی است که در شعر امین‌پور رخ می‌نماید؛ یعنی اگر شاعری در این زمان، تمام مفاهیم عرفان و تصوّف را هم در شعر خود می‌آورد و در بیانی شورانگیز از عشق و عرفان دم می‌زد، شعر او هرگز شعر راستین نبوده‌است.

از نگاه سمیح القاسم، فلسطینی انسانی است که گاهی همچون گلی سرشار از زیبایی‌هاست و گاهی همچون نارنجکی است که نفرت می‌ورزد و نابود می‌کند. او چهرهٔ انسانی را ترسیم می‌کند که «تن» خویش را به بازی می‌گیرد و چون نارنجکی آن را منفجر می‌کند. از نگاه او، چیزهایی هستند که هنوز ارزش «مردن» را دارند.

شعر «پایان گفتگو با یک زندانبان» یکی از شناخته‌شده‌ترین اشعار اوست که از نیاز به پیدا کردن راه حلی برای پایان دادن به درگیری اسرائیل و فلسطین که عدالت را برای تمام احزاب به ارمغان می‌آورد، صحبت می‌کند. این درونمایه در بخش اعظمی از آثار او حضور دارد و شاعر هم‌زمان در جستجوی ارزش‌های انسانی است که در دل این مخاصمه وجود دارد:

«از پنجره‌های باریک سلول کوچکم

درختانی را می‌بینم که به من لبخند می‌زنند

و پشت‌بام‌هایی که پُزند از برادران و خواهرانم

و پنجره‌هایی گریبان و دعاگویان برای من  
از پنجره‌های باریک سلول کوچکم  
سلول بزرگ تو را می‌بینم!».

الفاسم در شعر «بلیت سفر» که نامه‌ای است خطاب به کسی که او را خواهد کشت، آرزو می‌کند که ای کاش قاتل از جیب او بلیتش را بردارد و در جستجوی صلح و آزادی سفر کند. گاهی انسانیت او با وجود آن همه ظلم و ستمی که کشیده‌است، خواننده را به شگفت می‌آورد.

«از بلیت سفر:

روز مرگ من

قاتل در جیبم بلیت‌هایی خواهد یافت

یکی به سوی صلح

یکی به سوی دشت و باران

و دیگری به وجدان بشری

التماس می‌کنم، دورشان نینداز

به تویی که مرا کشته‌ای التماس می‌کنم: برو».

## ۶- انقلاب در شعر قیصر امین پور

نخستین سروده‌های دفاع مقدس عمدتاً در قالب نیمایی و با زبانی روایی و نسبتاً بلند، تصویری از رشادت و ایثار مردم را باز می‌گویند. انتخاب اوزان نیمایی با ساخت و بافتی که در شعر شش‌ماهه اول جنگ-مهر ۱۳۵۹ تا آغاز سال ۱۳۶۰- دیده می‌شود، به این دلیل است که هم مجال بیشتر برای شعار و برانگیزاندن باشد و هم با رهایی از محدودیت‌های قافیه و تساوی مصراع‌ها بتوان به طرح مسائل و موضوعات پرداخت. در این عرصه، به مسائلی چون شهادت، ضرورت مبارزه، تحقیر دشمن، ترسیم مظلومیت مردم، تشجیع و تشویق رزمندگان و یاد حماسه‌های صدر اسلام، به‌ویژه عاشورای حسینی پرداخته‌اند.

«شعری برای جنگ»، شعری بی ادعاه، بی تکلف و بی آرایش است، همچنان که قیصر نیز خود چنین بود. رسالت شاعر در این شعر، زبان ورزی، جلوه‌فروشی و صنعتگری نیست و شاعر به دنبال ایفای رسالتی انسانی است. در این شعر، قیصر قبل از آنکه شاعر باشد و به جایگاه و شأن ادبی خویش بیندیشد، شهروندی ساده از یک جامعه جنگ‌زده است. شهروندی که همچون دیگر شهروندان، داغ جنگ را بر پیشانی خود دارد و در اندیشه همدلی و همدردی با مردمی است که بی هیچ گناهی، شهرشان زیر موشکباران دشمن متجاوز بعثی است.

سیمای قیصر در «شعری برای جنگ»، سیمای یک شاعر روشنفکر دینی است؛ شاعری که در آوار فاجعه و شبیخون دشمن، رسالت و تعهد انسانی خود را بر تکنیک، ساختار و شاعرانگی اثر ترجیح می‌دهد. قیصر روشنفکری از مردم و در جبهه مردم است. از همین رو، در فتنه‌خیز حادثه به دنبال جلوه‌فروشی ادبی و نام‌آوری شاعرانه نیست. قصد شاعر این است که گدازه‌های خشم و فریاد و مظلومیت مردم شهر خویش را بر چهره جهان بی تفاوت بپاشد و کشورهای مدعی «حقوق بشر» را از خواب غفلت بیدار کند. جنس روشنفکری قیصر در این شعر تپنده و تأثیرگذار، از جنس روشن‌اندیشی یک مسلمان آزاده دیندار است. فرازی دیگر از اشعار قیصر امین پور:

«اما

من از درون سینه خبر دارم

از خانه‌های خونین

از قصه عروسک خون‌آلود

از انفجار مغز سری کوچک

بر بالشی که مملور رؤیاهاست

رؤیای کودکانه شیرین

از آن شب سیاه

آن شب که در غبار

مردی به روی جوی خیابان خم بود

با چشم‌های سرخ و هراسان  
 دنبال دست دیگر خود می‌گشت  
 باور کنید  
 من با دو چشم مات خودم دیدم  
 که کودکی ز ترس خطر تند می‌دوید  
 اما سری نداشت  
 لختی دگر به روی زمین غلتید  
 و ساعتی دگر  
 مری خمیده پشت و شتابان  
 سر را به ترک‌بند دو چرخه  
 سوی مزار کودک خود می‌برد  
 چیزی درون سینه او کم بود...».

این فراز از شعر، نقطه اوج هنرمندی شاعر در جبهه‌نگاری و گزارشگری شاعرانه از جنگ است. شاعر در این فراز از شعر، در مقام یک گزارشگر که به شهر جنگ‌زده دزفول اعزام شده‌است، به گزارش لحظه‌به‌لحظه اتفاقاتی می‌پردازد که بر اثر تجاوز و وحشیانه دشمن بر دزفول حادث شده‌است.

آری، شاعر با حنجره سرخ عشق، پیام پایداری و استقامت را در گوش مردم جهان فریاد می‌کند و مظلومیت ملت خویش را همچون پرچمی به اهتزاز درمی‌آورد تا فطرت‌های بیدار جهان بدانند که ملت ایران برای دفاع از نوامیس خویش، ناخواسته در جنگی نابرابر وارد شده‌است و هدف او جز دفاع و بیرون راندن دشمن چیز دیگری نیست. شاعر نیز زندگی جاوید را در جهاد در راه خدا و پاسداری از آرمان‌های والای انسانی و الهی می‌داند و برای دستیابی به این سعادت، شهادت در راه حق را توصیه می‌کند:

«زنده جاوید کیست؟ کشته شمشیر دوست  
 کاب حیات قلوب، از دم شمشیر اوست.»

قیصر در فراز پایانی شعر خویش، به فطرت‌های غبار گرفته تلنگر بیداری می‌زند. او همچون عارفان توصیه می‌کند: «بمیرید، قبل از آنکه بمیرید!». شاعر برخاستن و سلاح بر گرفتن و جهاد افتخارآمیز برای بیرون راندن دشمن از خاک میهن را یگانه‌راه رهایی می‌داند و با این اتمام حجت، شعر خویش را به پایان می‌برد:

«باری،

این حرف‌ها داغ دلم را

دیوار هم توان شنیدن نداشته‌است

آیا تو را توان شنیدن هست؟

دیوار

دیوار سرد و سنگی سیّار

آیا رواست مرده بمانی

در بند آنکه زنده بمانی؟!

نه

باید گلوی مادر خود را

از بانگ رود رود بسوزانیم

تا بانگ رود رود نخشکیده است

باید سلاح تیزتری برداشت

دیگر سلاح سرد سخن کارساز نیست...».

در یک نگاه کلی، باید گفت که شعر برای جنگ در واقع، شعری در مذمت جنگ و در ستایش «صلح» است. شاعر در این سروده در صدد اثبات حقانیت دفاع هشت‌ساله ملت ایران در برابر هجوم ناجوانمردانه دشمن به خاک میهن اسلامی است.

## ۷- مقاومت در شعر سمیح القاسم

ادبیات مقاومت فلسطین به منزله بخش مهم و جدانشدنی ادبیات معاصر عربی، در کنار ملت شریف و دیگر سازمان‌های مبارز خود پایه‌پا پیش رفت و کوشید آتش روشن انتفاضه ملی را برافروخته نگه دارد. بی‌شک یکی از دل‌مشغولی‌های اساسی ادبیات در سرزمین اشغالی، توجه به جنبه‌های مقاومت آن است. در این زمینه، شعر در مقایسه با نثر اهمیت بیشتری داشته، بسیاری از شاعران عرب و غیرعرب را در کشورهای دیگر به خود جذب کرده‌است.

شعر مقاومت فلسطین، فراز و فرودهایی است که به دلیل شرایط تاریخی و حالت درونی مردم ایجاد شده‌است. اشغال فلسطین در سال‌های ۱۹۴۷-۱۹۴۸ از سوی صیہونیست‌ها انجام گرفت. در این سال‌ها، بسیاری از مردم از خانه و کاشانه خود جدا شدند و به لبنان و سایر کشورهای همسایه پناه بردند. موجی از ناامیدی و دلسردی در برابر بی‌توجهی مجامع بین‌المللی و کشورهای همسایه، در میان مردم بی‌دفاع فلسطین احساس می‌شد. این خستگی و یأس تا سال‌های آغازین دهه هشتاد ادامه داشت. با توجه به نبود همراه و پشتیبان، شعر مقاومت در آن زمان دلمرده و مایوس به نظر می‌رسید.

توانمندی در به‌کار گرفتن واژگان، معنی‌پردازی‌ها و تصویرسازی‌های جدید از آن، تنوع اسلوب‌های شعری، اجرای گفتگوی اندیشه‌ها، گستردگی خیال، استفاده از ساختار نمایشی قصاید و سهل و ممتنع بودن عبارات، او را در زمره شاعران دست‌نیافتنی زمان خویش قرار داده‌است. سمیح القاسم در این قطعه، اوج غم و اندوه خود را به خواننده القا می‌کند، حتی واژه «وطواط» هم به نوعی به تنهایی و فضای خفقان‌آور جامعه فلسطین اشاره دارد:

«حَدَّثَ عَنِ الدُّنْيَا، عَنِ الْأَهْلِ، عَنِ الْأَحْبَابِ

لَكِنَّهُ بِلَا جَوَابِ

صَفَّقَ بِالْأَجْنِحَةِ السُّودَاءِ عَبْرَ كَوْتِي! وَطَارَ

وَ صَحَّتْ! يَا أَيُّهَا الْعَرِيبُ فِي الزَّوَارِ

مهلاً أنبأني إلى الأصحاب» (القاسم، ۱۹۸۷ م: ۵۲).



یعنی؛ «از دنیا، از بستگان، از دوستان بگو، ولی بدون جواب! بال‌های سیاه خود را به هم زد و از شکاف سلولم پرواز کرد. فریاد زدم: ای که در میان دیدار کنندگان غریبه‌ای، صبر کن! آیا خبرهایم را به دوستان نمی‌رسانی؟!».

سمیح القاسم برای نشان دادن اندوه خود و نیز فضای تاریک جامعه و اعتراض به وضع موجود این فضا را در ذهن خود مجسم می‌کند و اینگونه می‌سراید:

«أدورُ حَوْلَ الكُرَةِ الأَرْضِيَّةِ

مُكَلِّلاً بِهَالَةِ النِّيرانِ والدِّمَاءِ

وأنشُرُ السَّمَاءَ

فِي فُلْكِ الكَوَاكِبِ الأَلْيَةِ

يَا أَيُّهَا الفِضَاءُ

هَذَا أَنَا أَنشُدُ بَيْنَ السُّفُنِ الكَوْنِيَّةِ

أغنيَّتِي السَّوْدَاءِ» (همان: ۳۳۳).

یعنی؛ «به دور کره زمین می‌چرخم، در حالی که تاجی از هاله آتش و خون بر سر دارم و آسمان را می‌گسترانم، در مدار ستارگان. ای فضا! این من هستم که در بین کشتی‌های هستی، ترانه سیاهم را می‌سرایم».

همچنین، شاعر با مفاهیم دیگری مانند «العُتْمَةُ، الظلام، الدکناء» از خفقان سیاسی سرزمینش می‌گوید:

«دورِيَّةُ البوليسِ لا تنام

مافتتت تبخرُ في مستنقع الظلام

تجوسُ كلِّ قريةٍ

تطرقُ كلِّ بابٍ

و تنكتُ العُتْمَةُ في الأزقةِ السَّوْدَاءِ» (همان: ۴۹).

یعنی؛ «گشت پلیس نمی‌خواهد. همچنان در باتلاق تاریکی فرومی‌رفت. در هر روستایی جولان می‌داد. هر دری را می‌کوبید و تاریکی محض را در کوجه‌های سیاه می‌گستراند».

شاعر در جای دیگری می‌گوید:

«نازلًا کنتُ، علی سلم أحزان اهزیمه

نازلًا یمتصنی موت بطیء

صارخأفی وجه أحزانی القدیمه

أحرقینی! أحرقینی!... لأضیء!

لم أکن وحدی

و وحدی کنتُ، فی العُتمة وحدی» (همان: ۴۴۹).

یعنی؛ «از نردبان اندوه و شکست فرود می‌آمدم. فرود می‌آمدم. مرگ تدریجی مرا می‌مکید، در حالی که در چهره‌اندوه‌های قدیمی‌ام فریاد می‌زدم: مرا بسوزانید... مرا بسوزانید... تا روشن گردم! تنها نبودم، تنها بودم در تاریکی محض، تنها».

سمیح القاسم در این قطعه به بیان ابعاد این مصیبت و ظلمی که به مردم فلسطین شد، می‌پردازد و از واژه «العُتمة» بهره می‌برد و آن را رمزی از ظلمت، اندوه و عذاب خود و مردم فلسطین می‌داند؛ چنانکه احسان عباس در این زمینه می‌گوید:

«این شعر بعد از شکست ۱۹۶۷ نوشته شده‌است و بیانگر وحشت و ترس از آن وضعیت و موقعیت تاریخی و شدت ضربه آن دوره است و نیز نشان‌دهنده احساس تباهی و ناامیدی و عذاب و انفعال است که در سطح فردی و گروهی به دنبال آن پدید آمد» (عباس، ۱۳۸۴: ۱۲۹).

## ۸- ویژگی‌های مشترک اشعار دو شاعر

در هر دو زبان، شاعران بزرگی بر ادبیات پایداری واقف بوده‌اند و آثار ارزشمندی را به جا گذاشته‌اند که از میان شاعران معاصر، سمیح القاسم از فلسطین و قیصر امین‌پور شاعر برجسته ایرانی به بسیاری از قصاید خود رنگ و بوی جهاد و دفاع از وطن داده‌اند. مطالعه اشعار قیصر

امین پور و سمیح القاسم، وجوه اشتراک قابل ملاحظه‌ای دارد که بررسی این امور، علاوه بر ایجاد آشنایی بیشتر با این دو شاعر، دیدگاه ایشان را نسبت به جامعه، وطن، مقاومت و دیگر مفاهیم اصیل نشان می‌دهد و می‌تواند در شناخت بهتر سروده‌های این دو شاعر، سبک‌شناسی، نقد و تحلیل موثر واقع شود.

هشت (۸) مورد از مضامین مهم اشعار این دو شاعر به این ترتیب است: ۱- مبارزه طلبی، ۲- محرومیت، ۳- آوارگی و تبعید، ۴- قتل و ترور، ۵- زندان، ۶- پایداری و ناسازی، ۷- عشق به میهن، ۸- امید به آینده.

همچنین، خصوصیات مشترک اشعار این دو شاعر، توجه به مضمون و قالب شعر، استحکام و متانت ابیات و عمق تفکر و مفهومی است، ولی قصاید سمیح القاسم از نظر عمق تفکر و قوه خیال‌پردازی در سطحی برتر از قصاید درویش قرار گرفته‌است. از دیگر خصوصیات مشترک این دو شاعر، می‌توان به سازش‌ناپذیری آن دو اشاره نمود؛ چراکه هیچ‌گونه تمایلی برای صلح و سازش با دشمن غاصب در اشعار آن‌ها به چشم نمی‌خورد. دیوان سمیح القاسم مانند دفترى است که همه حوادث تاریخی فلسطین در آن ثبت شده‌است، به گونه‌ای که هنگام ورق زدن این دفتر می‌توان تمام حوادث تلخی را که هر روز در فلسطین به وقوع می‌پیوندد، مشاهده نمود و اما خصوصیات مشترک دیگری که در اشعار این دو شاعر به چشم می‌خورد، عشق شدید آن دو به وطن است. عشقی که وطن را در برابر آن‌ها به معشوقه‌ای دلربا تبدیل کرده‌است و آخرین خصوصیت مشترک روح‌امیدی است که در بیت‌بیت دیوان این دو شاعر گرانقدر کاملاً محسوس است، امید به فردایی که در آن دیگر اثری از ظلم و جور باقی نماند.

### نتیجه‌گیری

ادبیات یک جامعه، آیینه تمام‌نمای فرهنگ و تمدن آن جامعه است و بخش عظیمی از ادبیات را شعر تشکیل می‌دهد، ادبیات در هر دوره‌ای بنا به شرایط سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... دچار تغییر و تحولاتی می‌شود و به تبع آن، شعر نیز سبک و سیاق خاصی به خود می‌گیرد.

اشعار سمیح القاسم و قیصر امین پور مشتمل بر مضامین مشترک زیادی در زمینه ادبیات پایداری است و زندگی دو شاعر تأثیر فراوانی بر شعر آن‌ها گذاشته‌است. همچنین، دیدگاه هر

دو شاعر درباره شعر مقاومت دیدگاهی واقع‌گراست و هر دو با شعر درصدد آگاهی نسل جوان و نسل جدید هستند.

تمایز امین‌پور از بسیاری از شاعران پس از انقلاب اسلامی در این است که او علاوه بر تعهد داشتن به هنجارها و ارزش‌های آرمانی انقلاب، در همه آثارش شاعری با جهان‌بینی، نظام فکری و رویکردی اندیشمندانه به مناسبات انسان و جهان و میان انسان و حقیقت است. سمیح القاسم از مشهورترین شعرای مقاومت فلسطین است که در غربت و آوارگی زندگی کرده‌است و بار مصایب و وقایع فلسطین را بر دوش کشیده‌است. شعر این شاعر ملموس‌ترین تصویر را از کشمکش و مبارزه فلسطینیان به تصویر می‌کشد.

#### منابع و مآخذ

- امین‌پور، قیصر. (۱۳۸۳). *تنفس صبح*. چ ۴. تهران: سروش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۵). *آینه‌های ناگهان*. چ ۱. تهران: مروارید.
- \_\_\_\_\_ (بی‌تا). *در کوچه آفتاب*. تهران: برگ.
- ترابی، ضیاء‌الدین. (۱۳۸۷). «جستاری در شعر مقاومت لبنان و فلسطین». *سوره*. ش ۴۱. صص ۱۱۹-۱۲۳.
- خومحمدی خیرآبادی، سعید. (۱۳۸۴). *نگاهی مختصر به ادبیات (شعر) دفاع مقدس*. تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.
- سعدون‌زاده، جواد. (۱۳۸۸). «مظاهر ادب المقاومة فی شعر أحمد مطر». *ادبیات پایداری*. د ۱. ش ۱. صص ۶۹-۵۱.
- سنگری، محمدرضا. (۱۳۷۷). «ادبیات پایداری (مقاومت)». *نامه پژوهش (ویژه دفاع مقدس)*. تهران: مرکز پژوهش‌های بنیادی.
- شریفیان، مهدی و سهیلا صادقی. (۱۳۸۸). «عشق به انسان، وطن و مقاومت در شعر قیصر امین‌پور». *پژوهشنامه ادب غنایی*. د ۷. ش ۱۳. صص ۲۳-۳۸.
- عباس، احسان. (۱۳۸۴). *ویکردهای شعر معاصر عرب*. ترجمه حبیب‌الله عباسی. تهران: سخن.
- القاسم، سمیح. (۱۹۸۷ م). *دیوان بیروت دارالعودة*.
- معروف، یحیی و بهنام باقری. (۱۳۹۱). «جایگاه نمادین رنگ در ادبیات مقاومت (نمونه پژوهانه: سمیح قاسم)». *نشریه ادبیات پایداری*. د ۳. ش ۳۵. صص ۴۷۷-۵۰۰.
- مؤدب، علی محمد. *روزنامه کیهان*، شماره ۱۹۷۷۶. به تاریخ ۱۳۸۹/۰۸/۰۵. صفحه ۱۰ (ادب و هنر)